

## روش های «تاریخ‌نگاری ادبی» نزد نویسندگان معاصر عرب

دکتر حسن دادخواه تهرانی<sup>۱</sup>

دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

فاطمه سعدونی

دانشجوی دوره دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز

(از ص ۴۷ تا ص ۶۴)

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۹/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۷/۲۶

### چکیده

نویسندگان معاصر عرب، در نگارش تاریخ ادبیات عربی، از همه روش‌های تاریخ‌نگاری ادبی بهره جسته‌اند، این روش‌ها، با همه اشتراکات خود، در موضوعاتی مانند دسته بندی مراحل تاریخ ادبیات عربی، روش شناساندن نویسندگان و شاعران، بررسی انواع شعر و نثر و تحلیل مضامین و درونمایه‌های شعری، متفاوت از یکدیگرند و هر کدام بر دیگری از امتیازاتی برخوردار است.

در این نوشتار، با توصیف کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی که در دو سده گذشته از سوی نویسندگان عرب، تدوین شده است، به روشهای آنان در بازگویی تاریخ ادب عربی اشاره گردیده و ویژگی و امتیاز هر کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد که برخی از تاریخ ادبیات نویسان معاصر عرب، از روش‌های خاورشناسان در تدوین تاریخ ادبیات عربی، بیش از دیگران بهره جسته‌اند و برخی دیگر، روش نویسندگان سنتی عرب را پیش روی خویش قرار داده‌اند و دسته‌ای دیگر ضمن پیروی از خاورشناسان، کوشش نمودند تا کاستیهای آثار ایشان را در کتاب‌های خویش جبران کنند.

**واژه‌های کلیدی:** تاریخ‌نگاری ادبی، نویسندگان معاصر عرب، خاور شناسان

---

۱. پست الکترونیکی نویسنده مسؤل: dadkxah1340@yahoo.com

#### مقدمه

تاریخ‌نگاری ادبی، بررسی دگرگونی‌های میراث ادبی با ذکر ویژگی‌های آنها و شناساندن شاعران و نویسندگان آثار ادبی است. در این بررسی، زمینه و چگونگی پیدایش یک اثر ادبی نیز پژوهیده می‌شود. (وی، هریس، وندل، ۱۳۷۴، ص ۵۴۹).

تاریخ ادبیات نویسان سنتی عرب در نگارش و تدوین تاریخ ادبیات، کمابیش مباحث خویش را با دیگر علوم ادبی مانند نقد ادبی و علوم بلاغی می‌آمیختند. ولی در دو سده اخیر، تاریخ‌نگاران ادبی عرب، شیوه‌های تازه و تعریف شده‌ای را که از سوی خاورشناسان، در این باره بکار گرفته شده است، پیش روی خود قرار دادند و از این رهگذر کتاب‌های ارزشمندی را در قالبی جدید پیرامون تاریخ زبان و ادبیات عربی نوشتند.

آنان با بهره‌گیری از این شیوه‌های نو، مباحث خویش را بدون پرداختن به موضوعات غیر مرتبط با تاریخ‌نگاری ادبی، عرضه داشتند. در این راستا می‌بینیم که مسائلی مانند بررسی تاریخ ادب در قالب دوره‌های سیاسی، بیان مکاتب ادبی، بررسی تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی در ادبیات، تشریح اوضاع فرهنگی جامعه و نقش آن در تمایزهای ادبی و سرانجام کند و کاو در انواع ادبی در کانون توجه آنان قرار گرفته است. نکته جالب توجه در این خدمت علمی، متفاوت بودن روش کار آنان در پردازش مسائل ادبی است. ایشان با تأثیر پذیری از ادیبان گذشته عرب و خاورشناسان معاصر با نگاهی نو به تاریخ ادبیات نگریستند و بر همین پایه، روش تحلیل و دسته‌بندی تاریخی آنان متمایز گشته است.

نا گفته نماند که تاریخ ادبیات نویسان عرب، ثابت کردند که نویسندگان شرقی از خاورشناسان عقب نیستند و در پذیرش یا نقد دیدگاه‌های علمی و ادبی آنان، از توان علمی، استقلال رای و شجاعت در خرده‌گیری برخوردارند. البته دسته‌ای از تاریخ ادبیات نویسان معاصر عرب، از نظریات خاورشناسان به طور برجسته و آشکار بهره

گرفته‌اند. در آثار برخی از آنان، میزان تأثیرپذیری از دیدگاه‌های خاورشناسان، بیشتر احساس می‌شود و رگه‌هایی از خودباوری نیز در آن دیده می‌شود. در ادامه، شماری از کتاب‌های برجسته تاریخ ادبیات عربی، برگزیده و توصیف شده‌اند تا از این رهگذر خوانندگان بتوانند با مطالعه این گزارش توصیفی، شیوه‌های پردازش نویسندگان آن‌ها را سنجش و ارزیابی کنند.

### آشنایی با مهم‌ترین کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی

#### تاریخ آداب اللغة العربية از جرجی زیدان

وی مشهورتر از آن است که بخواهیم او را در چند صفحه معرفی کنیم. زیدان در میان نویسندگان معاصر عرب نخستین کسی است که تاریخ ادبیات را بر اساس دوره-های مختلف تاریخی تدوین کرد. گرچه پیش از او نویسندگانی مانند الشیخ المرصفی این کار را تا حدودی آغاز کرده بودند. در اینجا نگاهی گذرا به کتاب «تاریخ آداب اللغة العربية» خواهیم داشت. این کتاب که در چهار جلد نگاشته شده است با بیانی شیوا و تحلیلی دقیق به بازگویی مطالب گوناگون ادبی-تاریخی می‌پردازد که حاکی از دانش وسیع نویسنده آن است. زیدان در این کتاب، تاریخ ادبیات را از همان دوره جاهلیت که نقطه آغاز ادبیات عربی بشمار می‌رود شروع می‌کند. چنانکه از مطالب کتاب بر می‌آید وی از آثار خاورشناسان در بیان موضوعات گوناگون استفاده کرده است، ولی این بدین معنا نیست که تنها بازگو کننده این مطالب باشد بلکه او در برخی موارد نظر خود را هم مطرح می‌کند. هرچند منتقدان تلاش دارند زیدان را پیرو شرق‌شناسان معرفی کنند. او کوشش نموده از نظم و دقت خاورشناسان در این باره بهره گیرد، به همین دلیل، استناد به آثار آنان را پی در پی در کتابهایش می‌بینیم. این تأثیر در دو کتاب «تاریخ آداب اللغة العربية» و «تاریخ التمدن الإسلامی» بیش از سایر آثارش دیده می‌شود.

زیدان در جلد اول کتاب «تاریخ آداب اللغة العربیة» به شاعران دوره جاهلی و ادبیات این دوره می‌پردازد. وی ابتدا به وضعیت زبان عربی از نظر لهجه‌های مختلف عصر جاهلی و پیش از نزول قرآن اشاره می‌کند. سپس به آغاز شعر و شاعری در این دوره، شیوه نظم شعر، ویژگی‌های اشعار جاهلی و جایگاه شاعر در قبیله می‌پردازد. او در آغاز به شرح حال و شعر تعدادی از شاعران معلقات مانند امرؤالقیس، زهیر، نابغه، الأعشى، لبید، عمرو بن کلثوم، حارث بن حلزله الیشکری می‌پردازد. سپس این شاعران را به چند گروه تقسیم می‌کند. تقسیم‌بندی او در این بخش به شاعران صعالمیک، شاعران عاشق پیشه، شاعران امیر، شاعران جنگجو و شاعران هجوگوی و شاعران زن اختصاص می‌یابد. روشی که زیدان در این تقسیم‌بندی بکار گرفته است، بیشتر به تقسیم‌بندی ابن قتیبه در کتاب «الشعر والشعراء» شبیه است. زیدان در این جلد از کتاب، به وضعیت سایر علوم آن زمان مانند طب، حکمت، فلسفه و علوم دینی می‌پردازد و به دانشمندان این عرصه‌ها نیز اشاره می‌کند. این سبک در بیشتر کتابهای خاورشناسان بویژه بروکلیمان - که زیدان بیش از دیگران از او در این زمینه تأثیر پذیرفته است - دیده می‌شود. زیدان جلد اول از کتاب را با بحثی در باره خطابه و خطیبان در عصر اموی به پایان می‌برد.

در جلد دوم، وی عصر عباسی اول و دوم و سوم را تا ورود سلجوقیان به بغداد در سال ۴۴۷ هـ ق مورد مطالعه قرار می‌دهد. و به ظهور زبان‌هایی مانند زبان هندی، فارسی، سریانی و یونانی در این دوره اشاره می‌کند. او در آغاز شاعران عصر اول را همراه با نمونه‌هایی از شعرشان معرفی می‌کند. و آنان را به گروه‌هایی مانند شاعران برمکی، شاعران شیعه و شاعرانی که شعر خود را وسیله‌ای برای کسب روزی قرار داده بودند تقسیم می‌کند. زیدان در بحث درباره شعر و شاعران به راویان شعر مانند عمرو بن العلاء، الأصبعی، أبو عبیده مُعمر بن المثنی و أبو زید انصاری و حماد الراویه و خلف الأحمر اشاره می‌کند. وی در این دوره به سایر علوم مانند صرف، نحو، بلاغت و تاریخ اشاره کرده و دانشمندانی را از هر یک از این علوم معرفی می‌نماید. زیدان در عصر عباسی دوم به مشهورترین شاعران این دوره مانند ابن رومی، بختری، ابن المعتز،

اشاره می‌کند و از نویسندگانی مانند جاحظ، ابن قتیبه، قدامة بن جعفر، الصولی و ابن المقفع سخن به میان می‌آورد. او بحث دربارهٔ عصر دوم عباسی را با سخن از علوم اسلامی مثل طب و طبیبان نامدار این دوره مثل ابن سهل و رازی و ابن ماسویه به پایان می‌برد. پس از آن به عصر سوم عباسی می‌پردازد و به دولت‌های مقارن مانند حمدانیان، فاطمیان، بویهیان، سامانیان و غیره اشاره می‌کند و وضعیت علمی و ادبی هر کدام از این دولت‌ها را از نظر تاریخی بررسی می‌کند. از نگاه زیدان ادب در این دوره به سبب وجود دولت‌های مستقل، ویژگی‌های منطقه‌ای داشت. به عنوان مثال زیدان به وضع ادب در دوره فاطمیان اشاره می‌کند و می‌گوید: «در این دوره ادب در زمان دو خلیفه رشد و شکوفایی چشمگیری داشت، که یکی از آنان خلیفه العزیز بالله در سال (۳۶۵-۳۸۶) است و دیگری در زمان خلیفه الحاکم بالله در سال (۳۸۶-۴۱۱) بود. در این دو دوره کتابخانه‌های بزرگی تأسیس شدند و صدها هزار کتاب در زمینهٔ علوم و دانش‌های مختلف گردآوری شد و در زمان این دو خلیفه پول‌های زیادی برای گسترش علم و تأسیس کتابخانه‌ها صرف شد.» (زیدان، ۱۹۱۱، ج ۲، ص ۲۳۲)

زیدان در این جلد مانند جلد اول فهرست‌وار شمار زیادی از دانش‌های مختلف به همراه دانشمندان و ادیبان و نویسندگان را ذکر می‌کند و در مورد برخی از آنان شرح حال مختصری از زندگی و موقعیت علمی آنان را بازگو می‌کند اما در مورد بعضی دیگر تنها به ذکر نامشان بسنده می‌کند. او از شاعران این دوره از افرادی مانند متنبی، ابوفراس حمدانی، کشاجم، السری الرفاء، ابن‌هانی اندلسی، شریف رضی و دیگران نام می‌برد. زیدان سخن از این عصر را با بحث از علومی مانند داروسازی و هنرهای زیبا و موسیقی به پایان می‌برد.

جلد سوم از کتاب، به بررسی وضعیت علوم و تاریخ ادبیات از ورود سلجوقیان به بغداد (۴۴۷ هـ ق) تا زمان ورود فرانسوی‌ها به مصر در سال ۱۲۱۳ هـ ق اختصاص می‌یابد. وی در این جلد از کتاب به عصر عباسی چهارم و ویژگی‌های مهم آن مثل تحولات سیاسی این دوره اشاره می‌کند و برخی از شاعران بنام این دوره را نام می‌برد

شاعرانی چون ابن فارض مصری، بهاءالدین زهیر، طغرای و عده‌ای دیگر از جمله این شاعران هستند. البته زیدان در مورد این شاعران به تفصیل سخن نمی‌گوید و تنها با نوشتن چند سطر در مورد هر کدام بسنده می‌کند. او از فرهنگ نویسان و زبان شناسان این دوره مانند الانباری، الجوالیقی و العُکبری نیز نام می‌برد و به اختصار درباره آثار آنان سخن می‌گوید. زیدان در همین جلد از کتاب به عصر مغولی و ویژگی خاص این دوره یعنی دائرةالمعارف نویسی اشاره می‌کند. وی برخی از دانشمندان علوم دینی و فقهی این دوره را در کتاب خود ذکر می‌کند.

جلد چهارم کتاب تاریخ ادبیات زیدان به ادبیات دو قرن اخیر اختصاص دارد. وی در این جلد به ادبیات عربی دوره نهضت اشاره می‌کند و از مرکز علمی الأزهر مصر که نقش مهمی را در این دوره در تربیت دانشمندان و نویسندگان بزرگ ایفا نمود، نام می‌برد. زیدان در این باره می‌گوید: «الأزهر به مرکز اول علمی جهان اسلام در این زمان تبدیل شده بود که از بیشتر کشورهای اسلامی افراد زیادی برای تحصیل علوم به این مرکز روی می‌آوردند.» (همان، ج ۳، ص ۳۵۶) همچنین وی به نقش شرق شناسان و مترجمان آثار عربی در معرفی ادبیات عربی به جهان غرب نیز اشاره می‌کند و مهمترین آثار آنان را در رشته های مختلف ذکر می‌کند.

در پایان بررسی کتاب ارزشمند جرجی زیدان لازم است به چند نکته مهم اشاره شود:

۱- این کتاب بطور دقیق و منظم همه دوره‌های تاریخی را مورد مطالعه قرار داده است.

۲- گرایشهای متفاوتی را از دیدگاه‌های گروههای مختلف مورد بررسی قرار داده است.

۳- کتاب به جهت بررسی تاریخی موضوعات ادبی در نوع خود در کشورهای عربی نخستین اثر بشمار می‌رود.

۴- زیدان در بازگویی بعضی از آراء نویسندگان عرب و خاورشناسان در مورد ادبیات عربی به نقد و تحلیل و ارائه نظر شخصی خود در یک مورد مشخص بر نمی‌آید. به عنوان مثال در بیان ویژگیهای شعر جاهلی نظریه «اتتحال» را که مهمترین بحث این دوره ادبی است، مطرح نمی‌کند و نظر خاورشناسان را که تقریباً در بیشتر آثار آنان در این زمینه واضح است مورد نقد و بررسی قرار نمی‌دهد.

۵- چنانکه در متن نیز اشاره شد وی بعضی از موضوعات مهم ادبی را بطور گذرا ذکر می‌کند و از ارائه توضیح بیشتر در مورد آن خودداری می‌کند. مانند موقعیت علمی برخی از نویسندگان و شاعران مهم دوره عباسی.

#### تاریخ آداب العرب از مصطفی صادق الرافعی

الرافعی از بزرگترین تأثیرگذاران نهضت ادبی معاصر عربی در سده نوزده میلادی به‌شمار می‌رود. او از اندک نویسندگانی است که در همه زمینه‌های ادبی قلم‌زده است و بیشترین تأثیر را در مقایسه با معاصران خود بر ادبیات معاصر عربی، گذاشته. به ویژه در ادبیات اسلامی که کمتر کسی در این شاخه از ادب با او برابری می‌کند. کتاب «تاریخ آداب العرب» وی در سه جلد نوشته شده است. در جلد اول به ادب قدیم، در جلد دوم به «قرآن و اعجاز آن» و در جلد سوم، تنها به ادبیات معاصر عربی پرداخته است.

او در مقدمه کتاب، درباره روش‌های نویسندگی، توضیحات مفیدی را به دست داده است. وی خاورشناسان را در بیشتر جاها به نداشتن دانش و تسلط کافی بر ادبیات عربی متهم کرده است. در باور وی، خاورشناسان بیشتر به جمع‌بندی و فهرست کردن آثار ادیبان و نویسندگان عرب پرداخته‌اند، بی آن‌که مطلب جدیدی را به آن بیافزایند. به‌طور کلی کتاب‌های آنان از نظر وی، از تحلیل و ژرف‌نگری تهی است. او آثار مشابه ادیبان عرب را به مراتب ارزشمندتر از آثار شرق‌شناسان می‌داند. (الرافعی، ۱۹۱۱، ج اول، ص ۱۲). وی در دنباله همین بحث می‌افزاید که او برخلاف خاورشناسان که تاریخ

ادبیات عربی را بر پایه دوره‌های تاریخی بررسی می‌کنند، پایه کار خود را بررسی موضوعات و مسائل ادبی قرارداد است.

وی در جلد اول کتاب به قبایل عرب، اعراب باند، قحطانی و اسماعیلیه و ریشه‌های زبان‌های سامی اشاره می‌کند و خاستگاه آنان را جزیره العرب می‌داند. این نظری است که از دیدگاه او بیشتر مورخان بر آن اتفاق نظر دارند. رافعی سپس به زبان‌شناسی عربی و لهجه‌شناسی می‌پردازد و آن را دانش مهمی از شاخه‌های علوم عربی می‌داند و بررسی تاریخی و دینی آن را بر هر فردی که در زمینه ادبیات عربی تحقیق می‌کند، امر بایسته می‌داند. او در همین جلد، به شیوه تدوین و اسناد مطالب ادبی و علم حدیث در عصر اسلامی و پیش از آن می‌پردازد. در واقع، هدف وی از مطرح کردن چنین بحثی این است که به مسأله ثبت و تدوین تاریخی وقایع و مطالب مهم آن زمان اشاره کند. او در همین زمینه می‌گوید: «اولین اسناد در کتاب‌های تاریخ اسلامی مربوط به یک مسأله علمی محض بوده که از سوی شخصی به نام نصر بن عاصم اللیثی به استناد به کتاب قواعد عربی ابوالأسود دوئلی صورت گرفته است» (همان، ص ۲۹۱).

وی در جلد دوم که آن را به اعجاز قرآن و سایر علوم قرآنی اختصاص داده است به مباحثی مانند شیوه تدوین و جمع قرآن می‌پردازد. در زمینه نقش قرآن در باروری زبان و ادبیات عربی و گسترش آن به سراسر جهان می‌گوید: «اگر قرآن و شگفتی‌های لغوی و معنوی آن نبود، چه بسا زبان عربی در اثر آمیخته شدن با دیگر زبان‌ها، بنیان خود را از دست می‌داد و مانند برخی از زبان‌های قدیمی پس از مدتی اثری از آن نمی‌ماند. تأثیر قرآن بر این زبان آن را از نابودی نگه داشت و مایه پیشرفت و تکامل آن گردید.» (همان، ج دوم، ص ۷۴).

او در زمینه اعجاز قرآن، سخنانی از نویسندگان بزرگی مانند جاحظ، جرجانی نویسنده کتاب «دلائل الإعجاز» و باقلانی، صاحب کتاب «إعجاز القرآن» نقل می‌کند و سخنانی از مخالفان اعجاز قرآن مانند الراوندی، ابن مقفع و نصر بن حارث می‌آورد.

رافعی سپس به بحث‌های تخصصی مانند اسلوب قرآن، حروف و صداهای آن‌ها و انواع جمله اشاره می‌کند و به جایگاه فصاحت پیامبر اکرم (ص) و احادیث گران‌قدر او در زبان و ادبیات عربی اشاره می‌کند.

رافعی در جلد سوم فقط به شعر و نثر پرداخته است. وی به زمان آغاز شعر و پیدایش قصیده عربی، طبقات الشعراء، و مضامین شعر عربی مانند مدح، رثا، هجو، فخر، و انواع شعر مانند شعر داستانی، توصیفی و علمی پرداخته و در هر زمینه به گرایش‌های شاعران اشاره می‌کند. او هنگامی که به ادبیات اندلس می‌رسد به تفصیل از آن سخن می‌گوید و به بیان تأثیر شکوفایی علمی \_ ادبی این روزگار بر ادبیات جهان می‌پردازد. او سپس فهرستی از آثار تاریخی، علمی و ادبی این دوره را می‌آورد و برخی از آن‌ها را تنها گردآوری از آثار دیگر دوره‌های تاریخی می‌داند. وی درباره شعر این دوره و استفاده بیش از اندازه شاعران از صنایع لفظی اشاره می‌کند و آن را مایه ناتوان شدن ساختار شعر در این روزگار می‌داند.

### فی الشعر الجاهلی از طه حسین

طه حسین که از شاگردان خاورشناسان بزرگ مانند نالینو و ماسینیون به‌شمار می‌رود، بیشتر دوران مطالعات خود را در فرانسه گذراند. وی مطالعات خود را با نوعی شک علمی آغاز کرد و در این باره از دکارت فیلسوف فرانسوی تأثیر پذیرفت. این تأثیر در کتاب «فی الشعر الجاهلی» که از نخستین آثار طه حسین است، آشکارا دیده می‌شود. ناگفته نماند که درستی انتساب شعر جاهلی به دوره پیش از اسلام در قرن‌های سوم و چهارم هجری با انتقاد نویسندگان بزرگی رو به رو شده بود، ولی انتقادی که طه حسین بر شعر و ادب این دوره نوشت، به دو جهت، خشم تعداد زیادی از اندیشمندان معاصر عرب را برانگیخت. اولاً روشی که وی در نقد خود به‌کار گرفته بود بر اساس انکار کامل یک دوره از تاریخ بود که دارای شاعران و خطیبان فراوانی بود. ثانیاً: وی انتقادات انکارگونه خود از این دوره را از افکار و آثار خاورشناسانی مانند مرگلیوت برگرفته بود و به گفته شماری از منتقدان، وی تنها به منظور تأیید افکار آنان، این مطالب را نوشت.

از این رو طه حسین حتی به ارتداد متهم شد. این اتهام موجب گردید تا او کتاب «فی الأدب الجاهلی» را بنویسد و تا اندازه‌ای نظرات پیشین خود را اصلاح کند. طه حسین در کتاب «فی الشعر الجاهلی» به وجود شخصیت امرؤالقیس با دیده تردید می‌نگرد و این شاعر را با شاعر یونانی، هومیروس مقایسه می‌کند و در این باره می‌گوید: «خلاصه بحث درباره شخصیت امرؤالقیس این است که وی شبیه شخصیت هومر شاعر یونانی است و مورخان یونانی هم درباره این شاعر با اطمینان کامل سخن نمی‌گویند. (حسین، ۱۹۶۹، ص ۱۳۷). وی همین بحث را درباره شخصیت عبید، یکی دیگر از شاعران عصر جاهلی پیش می‌گیرد و وجود شاعری با این نام را در آن زمان انکار می‌کند. دیگر شاعران جاهلی مانند حارث بن حلزة، عمرو بن کلثوم، عمرو بن قمیئه، مهلهل و طرفه بن العبد هم در کتاب طه حسین با چنین دیدگاهی، بررسی شده‌اند. وی درباره نثر دوره جاهلی نیز تمام نمونه‌هایی که از آن دوره به دست ما رسیده است، نمی‌پذیرد. این درحالی است که آثار نثری مانند سجع کاهنان و خطابه‌های خطیبان معروف این دوره، مانند اکثم صیفی، عمرو بن معدی کرب و قس بن ساعدة الایادی در کتاب‌های تاریخی آمده است و در همه کتاب‌های تاریخ ادبیات عصر جاهلی نیز ذکر شده‌اند و هیچ‌گونه تردیدی از سوی نویسندگان درباره درستی آن‌ها وارد نشده است.

### ثورة الأدب از محمد حسین هیکل

حسین هیکل ادیب و نویسنده مصری در پیشرفت علمی \_ ادبی مصر نقش فراوانی داشته است. وی در زمینه‌های گوناگون تاریخی، سیاسی، دینی و ادبی آثاری دارد. کتاب او در شعر و ادب، «ثورة الأدب» نام دارد. در این کتاب، هیکل از دوره‌های مختلف ادب عربی و از گرایش‌های گوناگون سخن گفته است. وی با توجه به این‌که سیاست‌مدار نیز بوده، کتاب خود را با معرفی نویسندگانی آغاز کرده است که افزون بر نویسندگی به امور سیاسی نیز می‌پرداختند. او از این گروه برای آمیختن ادب با سیاست

انتقاد کرده است. او ادب را مجموعه‌ای از فرهنگ، تاریخ و ادبیات می‌داند. وی سپس از ادبیات قدیم و تأثیر ادبیات یونانی، فارسی و رومی بر آن سخن می‌گوید و به پربارتر شدن زبان عربی در پیوند با این فرهنگ‌ها اشاره می‌کند. وی در بخش دیگری از کتاب به ادبیات معاصر عربی اشاره می‌کند و اعزام گروه‌های دانشجویی از کشورهای عربی به منظور فراگیری علوم جدید را گامی بایسته و کارا در جهت پیشرفت علمی \_ فرهنگی کشورهای عربی می‌داند. در این میان، وی به جایگاه شرق‌شناسان در گسترش دامنه ادبیات عربی می‌پردازد و آنان را در زمینه انتقال علوم و معرفی ادبیات و تمدن اسلامی \_ عربی به غرب می‌ستاید. وی در این باره از آن دسته از ادیبان و نویسندگان معاصر مصری نیز نام می‌برد که در زمان تحصیل در دانشگاه‌های غربی و ارتباط با شرق-شناسان، شیفته فرهنگ غربی نشدند و نقاط قوت فرهنگ غرب را به دانشگاه‌ها و مراکز علمی \_ فرهنگی کشورهای عربی انتقال دادند و به ورود موضوعات جدید مانند نقد ادبی به زبان و ادبیات عربی کمک کردند. از میان این گروه، هیکل به ادیبانی مانند رفاعة الطهطاوی، شیخ محمد عبده و قاسم امین اشاره می‌کند. وی وظیفه شاعر متعهد را فراتر از آن می‌داند که تنها در یادبودها و جشن‌ها شعر بخواند. به باور او این کلمات را که نه احساسی و نه عاطفه و خیال در آن‌ها دیده می‌شود، نمی‌توان شعر نامید. او تأکید می‌کند که هدف شاعران باید تلاش برای بیان احساس درونی خود باشد و شعر را وسیله‌ای برای رسیدن به کمال بدانند. وی سپس به داستان، نمایشنامه‌نویسی و روزنامه‌نگاری می‌پردازد و درباره هر کدام از این موضوعات به تفصیل سخن می‌گوید. او درباره داستان و داستان‌پردازی در میان نویسندگان عرب می‌گوید: «متأسفانه در نیم قرن اخیر، داستان‌نویسی در میان نویسندگان عرب به حداقل خود رسیده است. دلیل آن چنان‌که خاورشناسانی مانند هامیلتون گیب می‌گوید به ضعف نیروی خیال‌پردازی در میان اعراب باز نمی‌گردد. شرق‌شناسان دیگری این شاخه از ادب را در میان نویسندگان عرب تا پیش از سده کنونی بسیار پویا و با نشاط توصیف می‌کنند.» (هیکل، ۱۹۶۵، صص ۱۶-۲۴).

کتاب او درباره شعر و ادب، گرچه کتابی کم حجم و خلاصه‌ای از همه دوره‌های ادبی را در بر می‌گیرد، کتابی با موضوعات گوناگون ادبی است، می‌توان آن را کتاب انتقادی ارزشمندی توصیف کرد، زیرا به خوبی به برخی از نقاط ضعف و قوت ادب عربی در دوره‌های مختلف پرداخته است. از سوی دیگر، نویسنده در موضوعات و مباحث گوناگون به آثار خاورشناسان استناد کرده و شیوه آنان را در تدوین کتاب به کار گرفته است.

### فی أصول الأدب العربی از احمد حسن الزیات

احمد حسن الزیات از نام‌آوران ادب معاصر عربی است. وی با آثار متعددی که در زمینه ادبیات و علوم دینی نوشته است، توانست میراث ادبی - دینی قدیم و جدید عرب را به هم پیوند بدهد. زیات در کتاب «فی أصول الأدب العربی» نخست به بررسی ادب از نظر لغوی و اصطلاحی پرداخته است و سپس به روش‌های مختلف نقد ادبی نزد نویسندگان قدیم عربی اشاره می‌کند و نقاط ضعف آنان را در این زمینه بیان می‌کند. وی پیرامون آثار ادیبانی مانند ابوالفرج اصفهانی، ثعالبی، و قدامة بن جعفر می‌گوید: «داوری‌های آنان در آثار نویسندگان آن زمان، بیشتر، شخصی و فردی است و همه جا نمی‌توان آن‌ها را بر آثار دیگر تطبیق داد.» (الزیات، ۱۹۵۲، ص ۱۶).

الزیات سپس به تاریخ تألیف کتاب هزار و یک شب می‌پردازد و در این باره می‌گوید: «تعیین تاریخ تألیف کتاب هزار و یک شب کار سختی است، زیرا مؤلف آن ناشناس است. از نخستین کسانی که در آثار خود از این کتاب نام برده‌اند می‌توان به مسعودی در کتاب «مروج الذهب» اشاره کرد. از شرق‌شناسان نیز نویسندگانی مانند جوزف فون هامر آلمانی و ویلیام لین انگلیسی نام برد که درباره این کتاب گفته‌اند: «این کتاب در اصل هندی بوده و به زبان فارسی و سپس به زبان عربی ترجمه شده است.» (همان، ص ۶۷). الزیات از نخستین نویسندگانی است که درباره اهمیت این کتاب و تأثیر آن در آثار ادیبان عرب و همچنین خاورشناسان سخن گفته است. وی سپس به جایگاه

فرهنگ و تمدن عربی - اسلامی در آثار نویسندگان شرق و غرب می‌پردازد و در این باره می‌گوید: «أعراب پیوندگاه تمدن قدیم با تمدن جدید بودند و اروپا را با آثار بجای مانده از فلاسفه و دانشمندان یونانی آشنا کردند. این از نظر وی، موضوع جدیدی نیست. بلکه مطلبی است که افرادی از شرق‌شناسان مانند ارنست رنان هم به آن اعتراف کرده‌اند.» (همان، ص ۸۷). او در همین زمینه، نام تعدادی از شرق‌شناسانی را که به نقد آثار شرقی پرداخته‌اند و آن‌ها را برگرفته از آثار یونان دانسته‌اند می‌پردازد و نام شرق‌شناسانی را می‌برد که به جایگاه و نقش دانشمندان و فلاسفه عرب در بیداری اروپا اعتراف کرده‌اند.

الزیات سپس به بررسی آثار تنی چند از ادیبان و شاعران معاصر عرب مانند احمد شوقی و حافظ ابراهیم می‌پردازد و نمونه‌هایی از اشعار آنان را تجزیه و تحلیل می‌کند و جایگاه آنان را در ادبیات معاصر عربی می‌ستاید.

### تاریخ الأدب العربی از شوقی ضیف

شوقی ضیف، نویسنده نامدار مصری، تاریخ ادبیات عربی را در کتاب خود به همین نام، در شش دوره بررسی کرده است. این دوره از تاریخ ادبیات به ترتیب به عصر جاهلی، عصر اسلامی، عصر عباسی اول، عصر عباسی دوم، عصر امارات و دولت‌های مقلان و عصر معاصر تقسیم می‌شود. کتاب وی که از کامل‌ترین کتاب‌ها در بازگویی تاریخ ادبیات عربی است، ویژگی‌هایی دارد. در جلد اول کتاب که به عصر جاهلی اختصاص یافته است، او نخست به تعریف لغوی و اصطلاحی کلمه ادب می‌پردازد و با آوردن نمونه‌های شعری از شاعران جاهلی ریشه‌های تاریخی این کلمه را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی سپس به بیان ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی شبه جزیره عربستان می‌پردازد و ساکنان این جزیره را به سامی‌ها، عرب جنوب، عرب شمال تقسیم می‌کند و آثار بجای مانده از هر کدام را بررسی می‌کند. ضیف پس از بیان تاریخی موقعیت شبه جزیره عرب و ساکنان آن به بیان زندگی قبیله‌ای و قبایل معروف روزگار جاهلی می‌پردازد و زندگی اقتصادی آنان را از نظر وضع معیشت و راه‌های

درآمد بررسی می‌کند. وی به مهم‌ترین جنگ‌های این روزگار و عوامل آغاز این جنگ‌ها نیز می‌پردازد. ضیف در بخش دیگری از این جلد به موضوع لهجه‌شناسی زبان عربی و چگونگی برتری یافتن لهجه قریش بر سایر لهجه‌ها اشاره می‌کند و این مبحث را ریشه‌ای و تاریخی بررسی می‌کند. وی در این زمینه، نظر برخی از خاورشناسان بزرگ مانند بروکلیمان، نالینو، وُلرز، هارتمن، نولدکه، فیشر و گویدی را مطرح می‌کند و می‌گوید: «به نظر ما، شرق‌شناسان در این زمینه، بیشتر جانب گمان را گرفتند. آنان زبان و لهجه قریش را لهجه برتر آن زمان، ندانسته‌اند و لهجه اصلی که در اشعار شاعران جاهلی بکار گرفته می‌شد را لهجه قبایل نجدی می‌دانستند.» (ضیف، ۱۹۶۰، ص ۱۳۱). وی درباره این نظر استناد می‌کند که لازمه انتشار و شناخته شدن یک لهجه به دنبال به وجود آمدن شرایط ویژه مانند عوامل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صورت می‌گرفت که این شرایط در شبه جزیره عرب در آن زمان برای لهجه قریش آماده بود. (همان، ص ۱۳۳). وی در این زمینه، به سخن دانشمندان و نویسندگان بزرگی همچون فارابی استناد می‌کند. «قریش از نظر به‌کارگیری و گزینش سخنان فصیح و شیوا و در عین حال ساده، برای سخنگویی و بیان کلمات آشکار و رسا بر همه قبایل دیگر برتری داشت.» (همان، ص ۱۳۲).

وی سپس بحث راویان و منابع شعر جاهلی را مطرح می‌کند و به بازگویی نظر تنی چند از خاورشناسان و ادیبان عرب می‌پردازد. آن‌گاه تجزیه و تحلیل شخصی خود را بدست می‌دهد. نکته‌ای را که وی در این بخش به آن اشاره می‌کند این است که هرچند بیشتر اشعار شعر جاهلی از راه شفاهی به دست ما رسیده است، اما این باعث نمی‌شود که ما مکتوب بودن برخی از این اشعار را نپذیریم. سخنانی که درباره نوشته شدن برخی از این اشعار که در قصاید برخی از شاعران جاهلی به آن اشاره شده است، خود دلیل خوبی است که مکتوب بودن این اشعار را ثابت می‌کند. گرچه نوشتن ابزار اصلی آنان برای انتقال شعر به دوره‌های بعدی بشمار نمی‌رود. (همان، ص ۱۴۰). ضیف در دنباله این مبحث به بیان شخصیت، شعر و سبک شعری تنی چند از شاعران عصر جاهلی و

سُرّایندگان معلقات می‌پردازد و با آوردن نمونه‌ای از اشعار هر کدام از آنان، آن اشعار را تحلیل ادبی می‌کند.

وی در جلد دوم کتاب که به عصر اسلامی اختصاص یافته است، به تأثیر آموزه‌های اسلامی و نثر قرآنی بر ادب این دوره به عنوان یک عامل اساسی اشاره می‌کند. او سپس به شعر و شاعری در زمان رسول اکرم (ص) و نمونه‌هایی از شعر این شاعران مانند حسان بن ثابت انصاری را می‌آورد. ضیف در این زمینه، حدیثی از حضرت رسول (ص) می‌آورد در اهمیت پرداختن به شعر در زمانی که برخی از مشرکان با شعر خود، اسلام و پیامبر بزرگوار را نکوهش می‌کردند و می‌گویند پیامبر (ص) در آن زمان به شماری از انصار فرمودند: «چه خوب است زمانی که برخی از شما اسلام را با سلاح خود حمایت می‌کنید، برخی دیگر نیز با زبان، دین اسلام را یاری کنند.» (همان، ج دوم، ص ۴۷). در این میان حسان بن ثابت انصاری برخاست و آمادگی خود را اعلام کرد. و پس از او عبدالله بن رواحه و کعب بن مالک هم به او پیوستند. شوقی ضیف در فصل چهارم کتاب به شعر شاعران مُخَضَّرَم و تأثیر پذیرفتن شعر آنان از آموزه‌های اسلام می‌پردازد و از میان آنان، به اشعار حسان، کعب بن زهیر، لید، الحطیئه و النابغة الجعدی استناد می‌کند.

شوقی ضیف، بخش دوم کتاب را به وضعیت ادب در عصر اموی اختصاص می‌دهد. در این زمینه، از مراکز اصلی انتشار شعر و ادب مانند مکه، مدینه، حجاز و حومه آن، کوفه و بصره، خراسان، شام و مصر نام می‌برد. او سپس شاعران این دوره را به شاعران نکوهش‌گر مانند نصیب، القطامی و زیاد الأعجم و ستایش‌گر، مانند أخطل و فرزدق و جریر تقسیم می‌کند. وی از شاعران احزاب سیاسی این دوره نیز از اشخاصی مانند ابن قیس الرقیات و عمران بن حطان از زبیریها و از کثیر عَزَّة و کُمیت از شیعیان و از اعشی همدان شاعر خوارج نام می‌برد. در جلد سوم کتاب که به بیان ویژگی‌های عصر عباسی می‌پردازد نخست به توضیح اوضاع سیاسی این دوره اشاره می‌کند و از نظام سیاسی، اداری آن سخن به میان می‌آورد. او سپس از زندگی اجتماعی که در سایه

حکومت عباسی از نظر اقتصادی رونق تازه‌ای یافته بود، سخن می‌گوید و رفاه اجتماعی، برده‌داری، آوازه‌خوانی، باده خواری، گسترش میهن دوستی، زندقه، پارسایی برخی از ادیبان و بزرگان این دوره را از مهم‌ترین ویژگی‌های آن برمی‌شمرد. وی در بخش دیگری از این جلد به گسترش مباحث فکری و عقل‌گرایانه اشاره می‌کند و از پیدایش دانش‌های نوی مانند علم کلام، منطق، فلسفه و تأثیر این علوم در بیان مسائل دینی و اعتقادی سخن می‌گوید. ضیف سپس شکوفایی شعر و ادب در این روزگار را مطرح می‌کند و آمیزش فرهنگ‌های گوناگون در این دوره را یکی از مهم‌ترین عوامل این شکوفایی می‌داند. او از شاعرانی مانند بشار بن برد، ابونواس، ابوتمام، مسلم بن ولید و ابوالعتاهیه به عنوان پیشگامان نوگرایی در شعر نام می‌برد. وی سپس فصل ویژه‌ای را به نثر در روزگار عباسی اختصاص می‌دهد. ضیف نثر عصر عباسی را به چند بخش مختلف مانند خطابه‌ها، نامه‌های اداری و وصیت نامه‌ها و سرانجام نامه‌های دوستانه تقسیم می‌کند. وی از نویسندگان بزرگ این دوره مانند ابن مقفع، سهل بن هارون، احمد بن یوسف و ابن الزیات نام می‌برد و نمونه‌هایی از آثار آنان را ذکر می‌کند. شوقی ضیف در نوشتن سایر جلدهای تاریخ ادبیات عربی همین سبک را به کار می‌گیرد.

### الجامع فی تاریخ الأدب العربی از حنا الفاخوری

حنا الفاخوری یکی از نویسندگان نامدار ادبیات عربی در روزگار معاصر است که افزون بر پرداختن به همه ابعاد و جوانب دوره‌های تاریخی ادب عربی، در بیان ویژگی‌های شخصیتی و علمی - ادبی شاعران و نویسندگان هر دوره نیز به تفصیل سخن گفته است. این شیوه در هر دو جلد از کتاب «الجامع فی تاریخ الأدب العربی» او آشکار است. وی در جلد اول این کتاب که درباره ادبیات قدیم نگاشته شده است، پس از بیان ویژگی‌های هر دوره که از دوره جاهلی آغاز شده، نام شاعران مشهور و سُرّایندگان معلقات را با آوردن نمونه‌ای از اشعارشان به میان می‌آورد. آن‌گاه پس از بیان گزیده‌ای از شخصیت و زندگی اجتماعی آن شاعر به تحلیل نمونه‌ای از اشعار وی می‌پردازد. تحلیل ادبی فاخوری شیوا است به گونه‌ای که در برخی موارد خواننده، خود

را با شاعر همراه و هم احساس می‌بیند. او گاه، خود به نقد و تحلیل شخصیت‌های ادبی می‌پردازد. گاه دیگر، به آوردن نقل قول از نویسندگان و منتقدان بنام ادبیات عربی بسنده می‌کند. این امر، خود به تنوع دیدگاه‌های مختلف در کتاب وی کمک کرده است. در جلد دوم کتاب که به بررسی ادبیات معاصر می‌پردازد، جایگاه و نقش هر نویسنده و شاعر را در دگرگونی ادبیات معاصر عربی بیان می‌کند و به تفصیل درباره مکاتب و انجمن‌های ادبی که پس از عصر نهضت ادبی در کشورهایمانند مصر، سوریه و لبنان پدید آمد و در رشد و گسترش ادبیات عربی نقش مهمی را بازی کرد، به تفصیل سخن می‌گوید. وی برای هر کدام از این مکاتب نوگرای ادبی، پیشگامی را معرفی می‌کند که نقش اساسی در شکل یافتن و گسترش آن انجمن یا مکتب ادبی داشته است. برای نمونه او برای مکتب رمانتیسیم، خلیل مطران، برای کلاسیک، بارودی، شوقی و حافظ ابراهیم و برای سمبلیسم نزار قبانی و صلاح الأسیر و سعید عقل را نام می‌برد. (فاخوری، ۱۹۸۰، ص ۴۶). ویژگی دیگری که در سبک نوشتاری کتاب فاخوری به چشم می‌خورد این است که وی برخلاف برخی از نویسندگان که آثار مشابه خود را با تأثیر از گرایش‌های فکری و مذهبی نگاشته‌اند یا به عبارتی دیگر آثار ادبی آنان از گرایش‌های فکری آنان دور نمانده است، وی بی‌جانبداری، نظرات خود را درباره اشخاص و آثار ادبی آنان بیان داشته است. به گونه‌ای که وقتی برای نمونه از شخصیت والای حضرت علی (ع) سخن می‌گوید به نظر می‌رسد که این سخنان، از زبان یک شیعه بیان می‌گردد. همین شیوه را در بیان ویژگی‌های ادیبان و نویسندگان مسیحی و شرق‌شناسان می‌بینیم که به بهترین روش از کوشش‌های آنان در حوزه ادبیات عربی ستایش کرده است.

#### نتیجه:

۱. روش برخی از نویسندگان با روش گروه دیگری از آنان در تدوین تاریخ ادبیات عربی تا اندازه‌ای متفاوت است. شماری از آنان آثار خود را بیشتر با تکیه بر مطالعه ژرف آثار گذشتگان و با تأثیرپذیری از این آثار نوشته‌اند و به تجزیه و تحلیل نیز پرداخته‌اند. مصطفی صادق الرافعی از این دسته است.

۲. نویسندگانی مانند طه حسین و جرجی زیدان، افزون بر مطالعه آثار نویسندگان کلاسیک عرب، با تأثیرپذیری از آثار خاورشناسان، کتاب‌های تاریخ ادبیات خود را نوشته‌اند تا جایی که حتی برخی به طه حسین عنوان «شرق‌شناس عرب» داده‌اند.
۳. احمد حسن الزیات و شوقی ضیف، گرچه در جاهای فراوانی، آثار خاورشناسان در تاریخ ادبیات عربی را ستوده‌اند، ولی پرداختن خاورشناسان به سبک‌های ادبی در هر دوره، و فقدان تحلیل‌های عمیق ادبی از سوی آنان را، نقطه ضعف کتاب‌های ایشان می‌دانند. این کاستی، آن دو را واداشت تا در کتاب‌های خود، این کمبود را جبران کنند.
۴. برخی از تاریخ ادبیات نویسان عرب، نظرات خاورشناسان درباره برخی از شخصیت‌ها و موضوعات ادبی را در کتاب خود آورده‌اند و آن را تأیید کرده‌اند.
۵. دسته‌ای از نویسندگان با ترکیب روش‌های تاریخ‌نگاری ادبی، ظرفیت کتاب خود را در بیان چند جنبه تاریخ ادبیات عربی، بالا بردند.
۶. به‌طور کلی گرچه موضوعات مطرح شده در کتاب‌های خاورشناسان و نویسندگان عرب تا اندازه‌ای مشابه یکدیگر است، خواندن یک اثر از هر گروه، خواننده را هرگز از خواندن کتاب نویسنده دیگر، حتی با داشتن عنوان مشابه بی‌نیاز نمی‌کند.

#### منابع

- حسین، طه، فی الأدب الجاهلی، دارالمعارف، القاهرة، ۱۹۶۹
- الرافعی، مصطفی صادق، تاریخ آداب العرب، ج ۱، الأخبار، القاهرة، ۱۹۱۱.
- الزیات، احمد حسن، فی أصول الأدب العربی، الرسالة، القاهرة، ۱۹۵۲.
- زیدان، جرجی، تاریخ آداب اللغة العربیة، بیروت، دارالفکر، ط الأولى ۱۹۹۷ م.
- ضیف، شوقی، تاریخ الأدب العربی، ج ۱ و ۲، دارالمعارف، القاهرة، ۱۹۶۰.
- الفاخوری، حنا، الجامع فی تاریخ الأدب العربی، ج ۱ و ۲، قم، انتشارات ذوی القربی، ۱۹۸۰.
- وندال، دی، هریس، تاریخ ادب چیست؟، ترجمة علی ملا محمدجان، مجله شعر، شماره ۱۹، ۱۳۷۴.
- هیكل، محمد حسین، ثورة الأدب، دارالنهضة، القاهرة، ۱۹۶۵.